بیانیه انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری درباره

«درباره حادثه فروریزش ساختمان متروپل آبادان»

گاه آنچه آوار میشود تنها یک «سازه» نیست، بنای «اعتماد» ملتی است که اگر فرو ریزد به آسانی جبران نخواهد شد.

گاه آنچه از تپش باز میایستد، تنها «نبض» یک تن، یا تنی چند نیست؛ بلکه «قلب امید» است که اگر از جنبش باز ماند جریان حیات از شریان‌های یک ملت رخت بر می‌بندد. زمانی که حادثه و خسارت، نه به سبب واقعه‌ای طبیعی یا حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی، بلکه به رغم پیش‌بینی‌های کارشناسان و هشدارها، به علتِ مسئولیت‌ناشناسیِ نهادینه شده و سهل انگاریِ ساختاریافته، و در یک کلام «بی‌اخلاقی» و شیوع فساد رخ دهد، آن هنگام است که بنای اعتماد فرو ریخته و قلبِ امید از کار افتاده است. جای بسی تأسف است اگر جامعه‌ای خود را در چنین وضعیتی بیابد. مباد که ما آن جامعه باشیم. بر اساس گزارش‌های رسمی، مواردی از نقض قانون و بی اعتنایی به ضوابط معماری و مهندسی و طراحی و ساخت و ساز که خود نشانگر گسترش یافتن فساد ساختاری است، علتِ بروز فجایعی چون آتش سوزی و ریزش ساختمان پلاسکو، فروریختن متروپل و یا حادثه مرگبار قطار مشهد به یزد است که در مقابل چشمان مسئولان سازمان‌های گوناگون مدیریت شهری و جاده‌ای، و نظاره انواع دستگاه‌های عریض و طویل نظارتی رخ داده و خسارات جانی و مالی جبران‌ناپذیر پدید آورده و نه تنها تهران و آبادان، بلکه ایران را به سوگ نشانده است. انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های عزیز به سوگ نشسته و مجروحان و خسارت‌دیدگان این حوادث، در جهت ایفای رسالت علمی و اجتماعی خود توجه همگان را به نکات زیر جلب میکند.

۱- برجسته کردن حوادث، اعتراض نسبت به خطاهای محرز، درس گرفتن از آنها و اهتمام به پیشگیری از موارد مشابه، اصلی است عقلایی و اخلاقی وتأمین کننده مصلحت ملک و ملت. فرسنگ‌ها فاصله است بین آنچه سیاه‌نمایی خوانده میشود، با تذکر مشفقانه و معطوف به عبرت و پند گرفتن از اشتباه‌ها، به تعبیرِ سخندانِ بزرگِ فرهنگ و زبان فارسی: "پند گیر از مصائب دگران تا نگیرند دیگران به تو پند" (سعدی، گلستان) امید است به گوش نصیحت نیوشِ مسئولیت‌شناسان این تیکارها سنگین نیاید و در راه اداره بهینه کشور به کار آید.

۲- در روزگار پیش رانیِ دانشِ آکادمیک در جهان، بهره گیری از ظرفیتِ علمیِ دانشگاهیانِ متخصص و متخلق به اخلاق حرفه‌ای در همه امور، به ویژه امر ارزیابی حوادث خاص، ضرورتی است انکارناپذیر. حال که در عرصه ملی نیز اصطلاح «دانش‌بنیان» مورد توجه قرار گرفته، امید است این تعبیر به شعار و زینتِ تبلیغی تقلیل نیابد، و مسئولان امر هرچه زودتر گروهی از دانشگاهیان متخصص را به منظور شناسایی همه زمینه‌های فنی، اجتماعی، مدیریتی و اخلاقی فاجعه فروریزش ساختمان

«متروپل آبادان» گرد آورند و با حمایت کامل از آنان و اجتناب از مسامحه و مصالحه ناصواب، به شناسایی و تبیین علمی ابعاد حادثه اقدام کنند. باشد تا ضمن اطلاع رسانی شفاف و بهنگامی، درس آموخته‌های حادثه به تنظیم دستورالعمل های پیشگیرانه از حوادث، در طرح های عمرانی کلان و ساخت و سازهای مشابه بینجامد.

۳ - در جوامع توسعه یافته، حوادث بزرگ به مثابه نمونه هایی برای «مطالعه موردی (study case)» توجه پژوهشگران، متخصصان و دانشگاهیانِ روزآمد را جلب میکند و نتایج تحلیل و تحقیق علمی درباره حوادث به تولید مقاله و ارائه در همایش های علمی منجر میشود و به درس های دانشگاهی راه مییابد. امید است استادان و پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های ذیربط در شاخه‌های مختلف علوم و فناوری؛ از رشته‌های دانشگاهیِ عمران و معماری و محیط‌زیست، تا مدیریت بحران و اخلاق حرفه‌ای و اورژانس و فوریت های پزشکی، در این مسیر پیشگام شوند و مطالعه و تولید دانش در این باره را به اشارات و فرآیندهای خاص و بروکراتیک موکول نکنند.

۴ - برخورد قانونی با عاملان خاطیِ حادثه، بدون توجه به مقام و منصب و گروه‌بندی های سیاسی، خواستی است معقول. این خواست نه از باب دامن زدن به زنجیره انتقام یا تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی، بلکه از آن باب است که به تعبیر استاد سخن: «دزدان دست کوتاه نکنند تا دستشان کوتاه کنند.» (سعدی، گلستان)

۵ - جبران خسارتِ حادثه‌دیدگان و حمایت مالی، روانی و اجتماعی برای التیام زخم هایی که جبرانِ کامل آن ممکن نیست، وظیفه‌ای است اخلاقی که لازم است بدونِ فوتِ وقت و تعمیقِ زخم صورت پذیرد.

۶ - هم اکنون ساختمان هایِ در معرض آسیب در کشور کم نیستند؛ حال، یا مانند متروپلِ آبادان قصورِ آشکار در اجرایِ طرح، عاملِ آسیب‌پذیری است، یا عمرِ زیادِ ساختمان و فرسودگیِ تدریجیِ آن. جا دارد پیش از آن که خدای ناکرده خبرِ فاجعه مشابه دیگری دل‌ها را به درد آورد، بناهایِ در معرضِ خطر، پیش از خرابی شناسایی شوند و بر اساس ضوابط، برای مقاوم‌سازی و هرگونه رفتار اصولی با آنها اقدام لازم به عمل آید.

۷ - در نهایت، امید است عقلای قوم در موقعیت‌های گوناگونِ دولتی و غیردولتی، بدین دقیقه التفات یابند که حوادثی همچون حادثه متروپل، نه در اثر فقدان دانش و کمبود مصالح و ضعف فناوری، بلکه در اثر ضعفِ اخلاقِ حرفه‌ای و مدیریت پدید میآیند. تقلیل ندادنِ آموزشِ دین و اخلاق به پاره‌ای مناسک و مراسم ظاهرگرایانه و اهتمام به آموزش اخلاقِ مسئولیت‌شناسانه اجتماعی در مدرسه و دانشگاه، و بسترسازی برای ایفای نقش نهادهای اجتماعی و مدنی در امر نظارتِ عمومی و ستیز با زمینه‌های فساد، درس‌های مهم اخلاقی از حادثه اخیر است که عنایت مجدانه به آن میتواند پیش گیرنده از تکرارِ حوادثِ زیانبار مشابه باشد.

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری- خرداد ماه ۱۴۰۱